



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع: میراث المجوس.

بحث فرق و ادیان بسیار مفصل می باشد و اگر بخواهیم مبسوطاً مطرح کنیم از بحث اصلی خودمان دور خواهیم شد لذا به همان مقدار که عرض کردیم کافی می باشد. خب و اما صاحب جواهر چند مطلب در مورد میراث مجوس با شرح و بسط تبعاً للشرايع ذکر کرده که مربوط به علم حساب که قبلاً خواندیم نیز می شود، ایشان می فرماید: «فرض اول: (و) حينئذ ف (علی هذا القول لو اجتمع الأمران لواحد ورث بهما مثل أم هي زوجة) فإن (لها نصيب الزوجية ، وهو الربع مع عدم الولد ، والثالث نصيب الأمومة من الأصل ، فان لم يكن) لها (مشارك كالأب فالباقي يرد عليها بالأمومة) كما أن له منها نصيب الزوجية النصف مع عدم الولد والربع معه ، والباقي إن لم يكن له مشارك.

اگر شوهر بمیرد و اولاد نداشته باشد یک چهارم به مادر که زنش هم هست از جهت زوجیت داده می شود و از طرفی نیز چون میت اولاد ندارد یک سوم نیز از جهت مادر بودن به او می رسد پس به این زن از دو جهت یعنی زوجیت و أمومیت ارث می رسد، حالا در اینجا دو فرض یعنی یک سوم و یک چهارم داریم حالا طبق همان کسر متعارفی که قبلاً خواندیم مخرج ها را در نظر می گیریم یعنی ۳ و ۴ که با هم متباین هستند لذا یکی را در دیگری ضرب می کنیم و نتیجه می شود ۱۲ ، پس فریضه به ۱۲ قسمت تقسیم می شود، حالا یک چهارم یعنی سه دوازدهم از جهت زوجیت و یک

سوم یعنی چهار دوازدهم از جهت أمومیت به زن داده می شود و اما چون فرض بر این است که کس دیگری نیست الباقی یعنی پنج دوازدهم نیز به همین مادر که زن او نیز بوده داده می شود بنابراین همه مال به او داده می شود.

فرض دوم: (وكذا) الكلام في (بنت هي زوجة) فإن (لها الثمن) نصيب الزوجية (والنصف) نصيب البنتية (والباقي يرد عليها بالقرابة إذا لم يكن لها) مشارك ، ولو كان (له) أبوان كان لهما السدسان ولها الثمن والنصف ، وما يفضل (عنهما) يرد بالقرابة عليها و علی الأبوين) أخصاسا.

اگر مردی با دختر خود ازدواج کند و بمیرد، دخترش یک هشتم از جهت زوجیت ارث می برد و از جهت بنت واحده بودن نیز نصف می برد، در اینجا دو مخرج ۸ و ۲ داریم که با هم متداخل هستند لذا اکثر یعنی ۸ را اخذ می کنیم و اصل مال را به ۸ قسمت تقسیم می کنیم و حالا نصف یعنی چهار هشتم را از جهت بنت واحده بودن و یک هشتم را از جهت زوجیت و مجموعاً پنج هشتم به او داده می شود و چون فرض بر این است که کس دیگری وجود ندارد سه هشتم باقیمانده نیز به همین زن داده می شود.

حالا در همین فرض اگر میت ابوان نیز داشته باشد یک ششم متعلق به پدر و یک ششم نیز متعلق به مادر می باشد و یک هشتم از جهت زوجیت و یک دوم نیز از جهت بنت واحده بودن متعلق به دختری که زوجه میت هم هست می باشد، خب حالا چهار مخرج ۶ و ۶ و ۸ و ۲ داریم که خب ۲ در ۶ و ۸ داخل است لذا آن را کنار می گذاریم و دو مخرج ۶ نیز در هم متمائل هستند لذا یکی از آنها را کنار می گذاریم و در

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهرین

نهایت دو مخرج ۸ و ۶ باقی می ماند که با هم متوافقین هستند و مقسوم علیه مشترک هر دوی آنها ۲ می باشد لذا یکی را تقسیم بر دیگری می کنیم و خارج قسمت را ضرب در دیگری می کنیم به این صورت که ۶ تقسیم بر ۲ می شود ۳ و بعد ۳ ضرب در ۸ می شود ۲۴ و یا ۸ تقسیم بر ۲ می شود ۴ و بعد ضرب در ۶ می شود ۲۴ ، بنابراین اصل فریضه به ۲۴ قسمت تقسیم می شود، نصف آن یعنی ۱۲ سهم از جهت بنت واحده بودن و ۳ سهم از جهت زوجیت یعنی جمعاً ۱۵ سهم به زن داده می شود و اما یک ششم یعنی ۴ سهم به پدر و همچنین ۴ سهم به مادر داده می شود و ۱ سهم باقی می ماند که این را احساساً تقسیم می کنیم یعنی سه پنجم را به آن زن که دخترش هم هست می دهیم و یک پنجم به پدر و یک پنجم نیز به مادر می دهیم، یعنی کل فریضه را احساساً تقسیم می کنیم ، ۵ را ضرب در ۲۴ می کنیم و حاصلش می شود ۱۲۰ و بعد احساساً بین آنها تقسیم می کنیم به این صورت که سه پنجم یعنی ۷۲ سهم متعلق به زوجه که دخترش نیز هست می باشد و دو پنجم یعنی ۴۸ سهم متعلق به ابوین می باشد یعنی هر کدام ۲۴ سهم ارث می برند.

فرض سوم: (وكذا أخت هي زوجة لها الربع) نصيب الزوجية مع عدم الولد (والنصف) نصيب الأختية (والباقي يرد عليها بالقربة إذا لم يكن) لها (مشارك).
فرض چهارم: وكذا جدة هي أخت ، كما لو تزوج زيد بنته فأولدها بنتا ثم تزوج البنت فأولدها ولدا اسمه بكر فأم البنت جدة بكر و أخته»^۱.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی... .

^۱ جواهرالکلام، شیخ محمد حسن نجفی، ج ۳۹، ص ۳۲۳، ط ۴۳ جلدی.